

فیلم «فسیل» با توجه به حذف فیلم‌های کم‌دی از اکران در ماه محرم، تعداد مخاطبان خود را به بیش از پنج میلیون و ۳۰۰ هزار مخاطب رساند تا پس از سال‌ها شاهد رکوردشکنی در سینمای ایران باشیم. فیلم فسیل توانست پس از ۱۸ سال رکورد مخاطبان فیلم «خراجی‌ها» با پنج میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب در سال ۸۵ را بشکند و در جایگاه سوم پرمخاطب‌ترین فیلم‌های ایرانی قرار بگیرد.

«فسیل» همچنان رکورد می‌شکند

شاید در نگاه اول کمی عجیب باشد که شهاب حسینی برای کارگردانی فیلم دومش (مقیمان ناکجا) سراغ اقتباس نمایشنامه «مهمانسرای دو دنیا» نوشته اریک امانوئل اشمیت رفته و در روایتی فلسفی، پیوندی ناگسستنی و غیرقابل‌تفکیک میان زندگی و مرگ ایجاد کرده‌است اما اگر با احوالات دلمشغولی‌هایش درباره هستی و چیستی آشنا باشیم، با آغوش باز از تجربه تازه فیلمسازی‌اش استقبال می‌کنیم و آنچه از دل و جان او برآمده، بر روان ما هم می‌نشیند. تاثیر می‌گذارد و همچون تلنگری موثر برای زندگی بهتر و قدردانستن همه لحظات عمر عاربه عمل می‌کند. «ساکن طبقه وسط» نخستین ساخته سینمایی حسینی هم با تولد یک نوزاد آغاز می‌شود و با مرور زندگی‌های مختلف، سوالات بنیادین و مهمی را مطرح می‌کند و در پایان که علیرضا قربانی شعر «بی‌قرار» ابتهاج را می‌خواند و می‌گوید: «باز آی دلبرا که دلم بی‌قرار توست/ وین جان بر لب آمده در انتظار توست» روح سرگشته شخصیت اصلی با بازی خود حسینی هم مأوایی امن و آرام می‌یابد. فارغ از یک دو باری که بازیگر محبوب و دوست‌داشتنی سینمای ایران تا پایان زندگی و آستانه مرگ پیش‌رفت و برای ادامه حیاتی بهتر و پربارتر به خود آمد و دغدغه‌هایش در این زمینه قوت گرفت و به‌جز انبوه نقش‌هایی که هنرمندانه در آنها زیست کرد و نیست شد، جالب است که حتی آغاز فعالیت تصویری‌اش هم نسبتی ظریف با مفاهیم هستی‌شناسانه دارد. آنجا که در ۲۵سالگی و سال ۷۷ و به‌عنوان مجری، درباره دلیل نام‌گذاری برنامه «اکسپژن» می‌گوید: «میگم می‌دوین چرا اسم برنامه رو گذاشتیم اکسپژن؟ (نفس عمیقی می‌کشد و لیخند می‌زند) به خاطر این. ...ا... به‌خاطر اینی که هر روز ازش استفاده می‌کنیم ولی زیاد جدی نمی‌گیریمش. به زندگی‌مون بسته‌است‌ها ولی باورش نمی‌کنیم. به‌خاطر این و به‌خاطر خیلی چیزای دیگه بود که اسم برنامه شد: اکسپژن». حالا او سال‌ها بعد و در «مقیمان ناکجا» همچنان از ارزش حیاتی اکسپژن می‌گوید. منتها این بار تنها با یکی از عناصر شیمیایی در جدول تناوبی طرف نیستیم و پای مباحث مفهومی و تعیین‌کننده‌ای در باب آدمیت و انسانیت و ارزش‌های زندگی و توجه به ودیعه الهی و تهیه رتوشه‌ای شایسته هم در میان است.



علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

ساکن طبقه وسط و مقیمان ناکجا همان‌طور که در عنوان اشتراکات و خط و ربط‌هایی با یکدیگر دارند و به سکونت و اقامتگاه‌هایی موقتی و گذرا بین مرگ و زندگی و طبقات پایین (ماتریالیسم، مادی‌گرایی و زندگی‌دنیوی) و بالا (خدا، معنویت و عالمی دیگر) ارجاع می‌دهند، یک‌راست نشانی دغدغه‌ها، جهان ذهنی و دلمشغولی‌های شما را هم دارند که البته خودش سوالات و ابهامات زیادی را تانمیدگی می‌کند و اینها پیرشش هاوارزهای بدون جواب شاید همه مخاطبان باشد. از چه زمانی این سوالات برای تان جدی شد و چرا در هر دو فیلمی که تا اینجا کارگردانی کردید، از زاویه‌های مختلف سراغ طرح چنین فضای فلسفی و هستی‌شناسانه‌ای رفتید؟

بسیاری از این دغدغه‌ها را مرهون پدرم هستم. ایشان در زمان حیات‌شان خیلی علاقه‌مند به مطالعه در باب زندگی و عوالم پس از مرگ بودند. اساسا چون ایشان آدم مرگ‌اندیشی بودند، اغلب صحبت‌هایی هم که با من داشتند پیرامون این موضوعات بود که تکلیف بودن مان را در این جهان بدانیم و به آن سؤال بزرگ «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟ به کجای می‌روم آخر...» جوابی بدهیم. به‌رحال فضای کلی ذهنی من این است. در این مدتی هم که در سینما چه به‌عنوان مخاطب و چه به‌عنوان یک سینماگر حضور دارم، فیلم‌های زیادی دیدم که برای کار کردن در این فضا به من کمک کردند. در میان این آثار، فیلم‌هایی بود که دغدغه‌های عمیقی را مطرح می‌کرد و برای من قابل‌تأمل بود. علاقه‌مندی‌ام این است که چه در بازیگری و چه در کارگردانی، در آثاری مشارکت داشته باشم که بتواند تاثیر مهمی روی مخاطبان داشته باشد.

نمایشنامه‌های خوب به‌ویژه متون کلاسیک همیشه تکیه‌گاه مطمئنی برای بهره‌مندی و اقتباس سینمایی هستند. نمایشنامه‌های خوب معاصر ازجمله آثار اریک امانوئل اشمیت هم چنین ظرفیتی دارند. از قضا همین نمایشنامه مهمانسرای دو دنیا ترجمه دکتر شهلا حائری که پایه و اساس فلسفی دارد و به نگاه و دیدگاه‌های هستی‌شناسانه و مرگ‌اندیشانه شما نزدیک است. به‌جز برخی معادل‌سازی‌ها ازجمله تغییر اسامی مثلا شهاب افلاک به جای راجاپور غیب‌آموز یا بنیامین فرد به جای ژولین پورتال و ... چندان سراغ تغییر ساختاری و کلامی نرفتید و حتی با وجود بسیاری دیالوگ‌های مشترک، می‌توان گفت اقتباسی وفادارانه انجام دادید. همین وفاداری به متن اصلی البته امتیازاتی دارد و به‌دلیل مفاهیم مطرح شده، سطح و ارزش فیلم را حفظ می‌کند اما از منظری دیگر انگار دست شما را برای خواش و اجرایی خلاقانه و متفاوت بسته است. دوست نداشتید با

اگرچه این فیلم همچنان روی پرده است، به نظر می‌رسد که می‌تواند خود را پس از سه دهه به دومین فیلم پرفروش سینمای ایران یعنی «افعی» با شش میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب نزدیک کند؛ اما بعید است این فیلم بتواند به رکورد فیلم «عقاب‌ها» با هشت میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب برسد. فسیل که با فروش ۲۳۰ میلیاردی، اولین فیلم ۲۰۰ میلیاردی سینمای ایران لقب گرفته هم‌اکنون پرفروش‌ترین فیلم

چالش اساسی‌تری در نگارش فیلمنامه و اجرا دست و پنجه نرم کنید؟ یا همین شیوه مواجهه وفاداری تقریبا صرف را مناسب این اقتباس و انتقال مفاهیم به مخاطب می‌دانستید؟

طبیعتا مواجهه و آشنایی من با هر اثری و علاقه و عرق به آن، حتما به‌دلیل پردازش خود اثر است و آن متن با همان کیفیتی که وجود داشته و متولد شده توانسته ارتباط مستقیمی با قالب و روح من برقرار کند. در اقتباس، هیچ دلیلی بر دخل و تصرف نمی‌بینم. امیدوارم روزی این توانایی را پیدا کنم که مثل مولفان بزرگ دنیا و سرزمین خودمان دست به تالیف بزنم و در زمره خالقان یک اثر قرار بگیرم اما وقتی این توانایی را ندارم و به اقتباس رو می‌آورم، طبعا به همه آن چیزی که توانسته روح مرا فتح کند وفادار خواهم ماند. در مقیمان ناکجا هم دلم می‌خواست همان تاثیرتری که از نمایشنامه مهمانسرای دو دنیا گرفتم را به مخاطبان انتقال دهم. ترجیح‌م این بود که به چیدمان خودنویسنده و فضا‌هایی که خلق کرده و مدت زمانی که برای طرح موضوع در نظر گرفته، کاملا وفادار باشم. با وجود ترجمه زیبایی خانم دکتر حائری که اولین مواجهه من با این نمایشنامه بود اما برای اقتباس، با سرکار خانم خلیلی -که همیشه با ایشان کار می‌کنم و زحمت زبونیس انگلیسی کار را هم به عهده داشتند- متون اصلی را بازبینی کردیم. برای این اقتباس، سعی کردم همه آگاهی‌های قبلی و داده‌هایی که از این نمایشنامه داشتم را در یک ظرف بریزم و به یک خروجی برسانم که در نهایت تبدیل به فیلمی شد که شاهد آن هستید. ضمن این‌که توان و بودجه‌ای که به ساخت هر اثری اختصاص می‌یابد، می‌تواند در سرنوشت نهایی آن بسیار موثر باشد. ما مقیمان ناکجا را تقریبا با بودجه‌ای معادل یک چهارم بودجه مرسوم یک فیلم کم هزینه کار کردیم. اگر بودجه و زمان بیشتری داشتیم، شاید رنگ و رخ این کار به‌صورت دیگری درمی‌آمد.

درودیدنویی‌که اخیرا از اریک امانوئل اشمیت منتشر شده، ایشان رضایت خود را از این اقتباس اعلام کرده‌اند. فکر کنیم این می‌تواند بهترین دستاورد یک کارگردان باشد که نویسنده بزرگی چون اشمیت حال خوبی بعد از دیدن فیلم دارد و آن را تایید می‌کند. احیانا قبل یا حین اقتباس دیدار و مکالمه‌ای با اشمیت داشتید و او از روند این پروژه مطلع بود؟ آیا پیشنهادهایی در این زمینه داشت یا نه؟ فارغ از این تایید از زشمند به خصوص اشاره‌ای که به زبان فارسی اثر دارد، فکر می‌کنید دیگر مخاطبان خارجی هم می‌توانند با فیلم شما ارتباط برقرار کنند؟ به ویژه این‌که صرف‌نظر از مابه‌ازاهای اسامی و ایرانی، مقیمان ناکجا، چندان بومی به‌تصور نمیکنید و مشخصاتی جهانشمول دارد و آن دغدغه‌های پیرامون خدا، مرگ و زندگی هم منحصر به جای خاصی نیست و همه تقاضا دارند برمی‌گرد.

امی (خندد) درواقع شما بخشی از جواب مرا هم در سؤال خودتان داشتید. من خوش شانس بزرگی داشتم. درست زمانی که فیلم به پایان رسید و آماده ارسال به جشنواره‌های خارجی بود، با آقای اریک امانوئل اشمیت، نویسنده عزیز، بزرگ و موردعلاقه‌ام ارتباط برقرار کردم. فیلم را خدمت آقای اشمیت بردم،

برش

ساکنان طبقه وسط

اریک امانوئل اشمیت، نویسنده محبوب فرانسوی در ابتدای نمایشنامه «مهمانسرای دو دنیا» نقل قول از فرانسوا ریون، نویسنده و شاعر قرن پانزدهم میلادی اهل فرانسه می‌آورد: «از نظر من هیچ چیز مطمئن‌تر از نا مطمئن نیست»؛ اشمیت هم با تکیه بر نگاه و تحصیلات فلسفی‌اش، مهم‌ترین سوالات را درباره مطمئن‌ترین و قطعی‌ترین اتفاق زندگی، یعنی مرگ مطرح و در روایتی قابل‌تأمل آدم‌هایی را پیش روی ما قرار می‌دهد که نمی‌دانند چگونه گذرشان به مهمانسرای دو دنیا افتاده‌است؛ چه زمانی از آن خارج خواهند شد و به کجا خواهند رفت. در اقتباس سینمایی این اثر، فیلم «مقیمان ناکجا» به کارگردانی شهاب حسینی که این روزها در گروه هنر و تجربه روی پرده سینماست، شخصیت‌های بنیامین فرد، شهاب افلاک، دکتر اسرافیلی، سالار جهانگیری، الهه و صغری سیاه‌زاده، مابه‌ازاهای ژولین پورتال، راجاپور غیب‌آموز، دکتر س، رئیس دایک، لورا و ماری و از مسافران این اقامتگاه پررمرز و زار هستند. شهاب حسینی، پریناز ایزدیار، آرمان درویش، احمد ساعتچیان، غزاله نظر، مهدی حسینیپتی آوآکیان و ناهید مسلمی در این فیلم بازی می‌کنند و برای ساعتی جهانی‌غریب‌برای مخاطب می‌سازند.



گفت‌وگوی اختصاصی «جام‌جم» با شهاب حسینی، بازیگر و کارگردان «مقیمان نا

باید با اندیشه مرگ درست‌تر

ایشان هم فیلم را دیدند و با نهایت لطف و محبت، درس انسانیت را دوباره به من آموختند و متنی را به اول فیلم اضافه کردند. به دلیل روح بزرگ آقای اشمیت و وسعت انسانیت‌شان، جز این هم از ایشان انتظار نمی‌رود. بعد هم که با این ویدئو مرا شگفت‌زده و غافلگیر کردند. خوشحالم خالق اثر احساس کرده که امانداری در حق اثرش اتفاق افتاده‌است و فیلم مقیمان ناکجا شایستگی دارد که بتواند مفاهیم ارزشمند متنی اصلی را با خودش حمل کند. از این بابت خدا را شکر می‌کنم و خیلی خوشحالم. همان‌طور که اشاره کردید، اساسا محتوای جهانشمول این اثر از مرزها فراتر می‌رود و همه انسان‌ها می‌توانند با محتوای نوشته آقای اریک امانوئل اشمیت ارتباط برقرار کنند. امیدوارم مخاطبان ایرانی و خارجی هم چون فیلم را منطبق با اقتباس می‌بینند، بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. درباره این‌که فیلم چندان بومی به‌تصور کشیده نشده هم باید بگویم برای سرزمین عزیزمان ایران، قائل به دو نوع سینما هستم. ما هم می‌توانیم فیلم‌هایی ایرانی داشته باشیم‌که صرفا مسائل و دغدغه‌های جامعه خودمان بپردازد و هم می‌توانیم فیلم‌هایی اصلاحا «ساخت ایران» داشته باشیم که در گستره‌های بین‌المللی عرضه شود. آثاری با روایت‌های جهانشمول درباره مسائل مشترک همه مردم دنیا ازجمله اعتقاد و ایمان، مرگ، زندگی پس از مرگ و نوع نگرش آنها به زندگی. ما می‌توانیم با اقتباس از ادبیات غنی وی‌بی‌مانند خودمان فیلم‌های بسیاری از این جنس تولید و اندیشه‌هایی را در سطح جهان مطرح کنیم تا سینمای ایران از طریق این صادرات فرهنگی به یک جایگاه بین‌المللی خوب برسد.

سؤال «اون بالا چه خبره؟ چند بار در فیلم و از سوی شخصیت‌های منتظر مطرح می‌شود. بعد از این اقتباس و مشغولیت ذهنی همیشگی تان و تحقیق و پژوهش‌های فراوانی که در این زمینه انجام دادید، می‌توانید کمی به متناطب برسائید و بگویید واقعا آن بالا چه خبر است؟ فکر می‌کنید اگر بعد از ۲۰سال گذر تان به آنجا بیفتد، چقدر فضا شبیه آنچه باشد که در این فیلم تصویر کرده‌اید؟

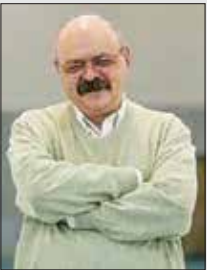
امی (خندد) قصه، تصاویر انترعای ذهن نویسنده است که اقامتگاهی را در قالب هتل -در فیلم در قالب یک سالن انتظار- به‌تصور می‌کشد اما پاسخ این دغدغه‌ها و سوالات به وفور در باورهای ایمانی ما وجود دارد. من با لفظ ایمان به‌عنوان منش زندگی کار دارم و درباره آن صحبت می‌کنم. روش‌ها هم به اندازه انسان‌هایی که روی زمین هستند، می‌تواند متفاوت باشد. احساس می‌کنم پروردگار بزرگ، بی‌نیاز و قدرتمند به‌هیچ‌عنوان در هیچ‌کدام از کتب آسمانی‌اش، هیچ چیزی را خلاف واقعیت و حقیقت نفرموده‌است. اصلا نیاز به این کار نداشت تا به بندگان غیر از حقیقت بگوید. اگر بخواهیم مفاهیم را از معانی کلی و ریشه‌های آن استخراج کنیم، می‌بینیم که در تمام کتاب‌های آسمانی آن مقصود، منظور و هدف اصلی یگانه و یکی است. من ترجیح می‌دهم مانه ببرم و قلبا به آن چیزی اعتماد کنم که پروردگار فرموده‌است. خداوند اشارات زیادی به ما می‌کند تا جواب بسیاری از سوالات‌مان را پیدا و در نهایت بفهمیم باید با زندگی‌مان چه کار کنیم. راستش تصور این است که باید با اندیشه مرگ درست زندگی کنیم، چون مطمئنم این لحظاتی که در زندگی سیری می‌کنم در کیفیت مرگ تاثیر خواهد داشت. به نظرم موقع مرگ، وضعیتی شبیه یک نوزاد خواهیم داشت. همان‌طور که یک نوزاد و جنین نمی‌داند موقع به دنیا آمدن به کجا وارد می‌شود به احتمال زیاد ما هم هنگام مرگ به یک تولد دوباره می‌رسیم اما این‌که آنجا چه فضایی دارد و به چه شکل است، طبعا هیچ اطلاعی نداریم. همچون جنینی که تمام دنیای خود را بطن مادر می‌پندارد و اصلا هیچ خبری از دنیای بیرون آن ندارد.

مقیمان ناکجا با همه رمز و رازهای بی‌پاسخ و استمرار ابهام‌های ازلی و ابدی بشری، حکم یک تلنگر و هشدار برای زیست و زندگانی بهتر دارد و اینار وفداکاری شهاب افلاک، استحالته بنیامین فرد و عشق و علاقه‌ای که میان او و الهیه شکل می‌گیرد، همگی دعوت به دوست داشتن هم و قدردانی از هدیه و ودیعه الهی به نام هستی و زندگی است. فکر می‌کنید با ساخت این فیلم، مخاطبانی به خود خواهند آمد و برداشتی غیر از تماشا ی یک فیلم خواهند داشت؟ سؤال دیگر این است که چرا با وجود تلنگرهایی از این دست و مصادیق عینی که هرکدام از ما در زندگی واقعی می‌بینیم و تجربه می‌کنیم، باز هم مثل شخصیت عمه شهاب افلاک، مرگ را فقط برای دیگران می‌بینیم و باوجود همه تاکیدات و نشانه‌ها، آن را فراموش می‌کنیم و به مسیری می‌رویم که نباید؟

سؤگند یاد می‌کنم که این فیلم را به هیچ‌عنوان برای منافع مادی‌اش نساختم.

یادمان

کوروش صفوی درگذشت



کوروش صفوی، زبان‌شناس و مترجم در ۶۷ سالگی درگذشت. او که متولد ششم تیر ۱۳۲۷ در تهران بود تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در آلمان و اتریش به پایان برد. پس از آن در سال ۱۳۵۰ به تهران بازگشت و در سال ۱۳۵۴ موفق به اخذ لیسانس از دانشگاه تهران شد. در همان سال برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و پس از یک فصل تحصیل در رشته زبان‌شناسی به دلیل بیماری پدر به ایران بازگشت. در سال ۱۳۵۶ وارد دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۵۸ فارغ‌التحصیل شد. او از همان سال ۱۳۵۶ ابتدا به‌صورت حق‌التدریسی، سپس به‌صورت قراردادی و پیمانی به استخدام دانشکده علوم و ارتباطات درآمد. نزدیک به ۱۰ سال پس از اخذ کارشناسی ارشد خود و هنگامی که دوره دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران دوباره بازشگایی شد، وارد این دوره شد و در سال ۱۳۷۲ دکتری زبان‌شناسی خود را از این دانشگاه گرفت. از جمله آثار او می‌توان به درآمدی بر زبان‌شناسی، واژه‌نامه زبان‌شناسی، نگاهی به پیشینه زبان فارسی، دنیای سوفی و... اشاره کرد.

کتابخوان

رشد قیمتی ۳۵ درصدی کتاب در هر ماه



بر اساس گزارش آماری خانه کتاب و ادبیات از ابتدای فروردین تا امروز که میانه‌های مرداد است، به‌طور میانگین شاهد افزایش ۳۵ درصدی قیمت کتاب به‌هرماه هستیم.

این‌دروجه به‌آمار ارائه‌شده به‌طور میانگین در هرماه به‌طور متوسط قیمت کتاب پنج تا ۲۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده‌است. بر اساس این‌آمار، میانگین قیمت کتاب که در فروردین‌ماه حدود ۱۰۰ هزار تومان بوده، در اردیبهشت به ۱۱۰ هزار تومان، در خرداد به ۱۲۰ هزار تومان، در تیرماه به ۱۳۰ هزار تومان و در مردادماه به بیش از ۱۴۰ هزار تومان رسیده‌است.

این در حالی است که با توجه به استقبال مردمی از نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت‌ماه به‌نظر می‌رسید که نهادهای حمایتی در حوزه کتاب می‌بایست از رشد تصاعدی کتاب جلوگیری می‌کردند تا این کالای فرهنگی در سبد خانوار همچنان باقی بماند، اما رشد تصاعدی ماهیانه قیمت کتاب می‌تواند باعث کاهش سرانه کتابخوانی در کشور شود.

نمآهنگ

نمآهنگ «وارث نون حلال»

نمآهنگ «وارث نون حلال» به مناسبت مقام شهدای مدافع حرم منتشر شد. این نمآهنگ با هنرنمایی تعدادی از فرزندان شهدای مدافع حرم به همت مجموعه «شهر سرود» مرکز آوای انقلاب اسلامی (ماوا) منتشر شده است. محسن رضوانی و قاسم سرافان به‌عنوان ترانه‌سرا این اثر را براساس نوحه‌ای از میثم مطیعی تولید کرده‌اند. در این نمآهنگ فرزندان شهیدان ابوالفضل نیک‌زاد، محمد محمدی، مهدی قاضی‌خانی، محمود نریمانی، مهدی حیدری، اکبر شهریاری، ابوذر داودی، علی یزدانی، میثم مدواری، جلال ملک‌محمدی، علی آقاعبدالهی، پوریا احمدی، حبیب... شیرزی جعفرزاده و حجت‌اله نوچمنی نیز اعضای گروه سرود فرزندان شهدا را تشکیل می‌دهند.

